



هیچ‌یک از ۳۱۵ بازار میوه و تره بار تهران تعطیل نشد
داود گودرزی، شهردار تهران: علیرغم تجاوز گسترده دشمنان، هیچ‌یک از ۳۱۵ بازار میوه و تره بار تهران تعطیل نشده و این مراکز هر روز از ساعت ۸ تا ۱۶ یکسره خدمت‌رسانی می‌کنند. ۴ بازار میوه و تره بار در حملات دچار آسیب شد که در کمتر از ۲۴ ساعت به چرخه خدمت بازگشت.



حمل و نقل عمومی تهران تا پایان جنگ رایگان است
سید جعفر تشکری هاشمی، عضو شورای شهر: خدمات ناوگان حمل و نقل عمومی در بخش مترو و اتوبوس‌های تندرو (BRT) تا پایان جنگ رایگان است. با وجود هجوم دشمن و خسارات به بخش‌هایی از شهر اما زندگان و مجموعه پرن تلاش اتوبوسرانی تهران اجازه ندادند وقفه‌ای در خدمت‌رسانی ایجاد شود.

شهر دار

خدمات هفت‌گانه شهرداری برای پایداری تهران

خدمات دهی در مدیریت شهری متوقف نشده و چه بسا به تعددش افزوده شده است. علیرضا زاکانی، شهردار تهران درباره وظایف متعددی این روزهای مجموعه مدیریت شهری از خدمات هفت‌گانه شهرداری خبر داده و استمرار خدمت‌رسانی در شرایط اضطرار، جنگ و آشوب در ادامه اهم صحبت‌های سکااندار پایتخت درباره جزئیات این ۷ خدمت را می‌خوانید.

- نخستین مأموریت و سرفصل این نهاد تمثیلات امور مربوط به نوسازی شهر و بازسازی کالبد آن است. این وظیفه در قالب حوزه‌های شهرداری و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی منحصربه‌فردی همچون کمیسیون ماده پنجم و با هدف توسعه خدمات پایدار و متناسب با ویژگی‌های پایتخت در حال پیگیری و انجام است.
- سرفصل دوم خدمات عمومی شهر است. موضوع آراستگی، نظافت، فضای سبز و مدیریت پسماند در پهنه وسیع ۷۰۰ کیلومتر مربعی محدوده شهر تهران مأموریت عظیم و کار بسیار بزرگی است. این دسته از وظایف حیاتی حتی در مواقع جاد و بحرانی همچون دوران آشوب و جنگ، نه تنها متوقف نشده، بلکه به عنوان یک اولویت قطعی و راهبردی برای حفظ نظم و آرامش شهروندان با جدیت دنبال می‌شود.
- «خدمات ویژه و امنیت معیشتی» به عنوان دسته سوم و یکی از پایه‌های جدی خدمات شهرداری است به طوری‌که ۳۱۵ میدان میوه و تره‌بار و ۵۷ فروشگاه شهروند در شهر فعالند. این ساختارها از سال ۵۸ در شهر نهادهی شده و اکنون با توسعه گشمتیکر، امکانی را فراهم آورده‌اند تا ایمنی لازم برای رسیدن معیشت کافی، باکیفیت و ارزان به دست مردم فراهم شود.
- سرفصل چهارم خدمات حوزه حمل‌ونقل عمومی است که مترو، اتوبوس و سایر خدمات متعدد این بخش، بیشترین حجم امکانی را در تهران دارا هستند و در این دوره یک کار اساسی صورت گرفته و شاهد جدی و بی‌سابقه بوده‌اند.
- خدمات اورژانسی و فعالیت‌های زمان اضطرار شهر، به‌ویژه فعالیت‌های سازمان آتش‌نشانی و موضوعات مشابه سرفصل پنجم مدیریت شهری است.
- سرفصل ششم به زیرساخت‌های فنی و عمرانی اختصاص دارد. اگر سرفصل اول در حوزه شهرسازی بود، این بخش مربوط به سازندگی کالبدی است که در این دوره یک کار اساسی صورت گرفته و شاهد پروژه‌های جدی در پایتخت هستیم.
- سرفصل هفتم، «حوزه نرم و سبک زندگی» است و این بخش قلمرو مستقیم فعالیت‌های فرهنگی اجتماعی و سازمان فرهنگی هنری است که مستقیماً با روح شهر در ارتباط است.

۶ خدمت در سامانه ۱۸۱۱

«مرکز جهادی حامی» در جنگ رمضان کنار مردم تهران است



کدام شهروندان در هتل‌ها اسکان داده می‌شوند؟

- شهروندانی که منازل شان به طوری آسیب دیده که دیگر امکان سکونت در آن وجود ندارد.
- محل اسکان هتل‌های شهر تهران و مراکز اقامتی تحت‌اجاره شهرداری
- خدمات: صبحانه، ناهار، شام و میان‌وعده
- هزینه: رایگان

شهروندان برای چه کارهایی می‌توانند با ۱۸۱۱ تماس بگیرند؟

- ۱ اسکان اضطراری
- ۲ پاسخگویی به سوال‌ها و رسیدگی به مشکلات حادثه‌دیدگان
- ۳ برآورد خسارت و ایمنی ساختمان‌ها
- ۴ پاکسازی معابر و منازل
- ۵ ارزیابی خسارت‌های وارده به خودروها
- ۶ ارائه خدمات حمایتی روانی و اجتماعی و مشاوره



روند ارزیابی خسارت‌های وارده به منازل به چه صورت است؟

- تماس با شماره ۱۸۱۱
- مراجعه به شهرداری نواحی
- گرفتن امضای مدیر بحران منطقه
- ثبت شرایط منزل و تشکیل پرونده
- حضور تیم‌های ارزیابی در محل برای ارزیابی شرایط
- انجام تعمیرات جزئی یا کلی، مقاوم‌سازی و تخریب و نوسازی

خدمات پاکسازی معابر و منازل شامل چه مواردی است؟

- پاکسازی منازل شهروندان
- جابه‌جایی لوازم
- پاکسازی معابر و نصب نایلون (در صورت نبود شیشه)
- فکت: در پاکسازی معابر از ظرفیت گروه‌های مردمی و محلی، گروه‌های جهادی و داوطلبان دوام استفاده می‌شود و تمام خدمات رایگان است.

حمایت روانی اجتماعی شامل چیست؟

- تماس با شماره ۴۰۳۰
- غربالگری روانی اجتماعی در هتل‌های محل اسکان
- آسیب‌دیدگان
- معرفی به مراکز جامع سلامت وزارت بهداشت در صورت نیاز
- حضور روانشناس و مشاوران در محل اصابت
- ارائه تمام خدمات رایگان



شماره‌ای است که شهروندان برای دریافت خدمات مشاوره‌ای می‌توانند با آن تماس بگیرند

شماره‌ای است که شهروندان تهران برای پیگیری خدمات مختلف از جمله اسکان اضطراری، پاکسازی معابر و... می‌توانند با آن تماس بگیرند

شماره‌ای است که شهروندان تهران برای پیگیری خدمات مختلف از جمله اسکان اضطراری، پاکسازی معابر و... می‌توانند با آن تماس بگیرند

- ۴۰۳۰
- ۳۲۰۰
- ۱۸۱۱

شهر تهران راه‌اندازی شده است. شهروندان برای اسکان اضطراری، پاکسازی معابر و منازل، برآورد خسارت و ارزیابی ایمنی ساختمان‌ها و ارزیابی خسارت وارده به خودروها می‌توانند به این مرکز مراجعه کنند. علاوه بر این خدمات، مرکز جهادی حامی، آماده پاسخگویی به سوالات و رسیدگی به مشکلات حادثه‌دیدگان و همچنین ارائه خدمات حمایت روانی و اجتماعی به حادثه‌دیدگان است. شهروندان تهرانی در مناطقی که چادرهای سازمان مدیریت بحران حضور دارند (نقاطی که تعداد منازل و اماکن آسیب‌دیده زیاد است) به نمایندگی ما در چادرها مراجعه کنند. سایر عزیزان آسیب‌دیده نیز می‌توانند علاوه بر شماره ۱۲۷ داخلی ۲ با شماره تلفن ۱۸۱۱ تماس بگیرند یا به صورت حضوری به ناحیه شهرداری منطقه مربوطه مراجعه کنند.

شهر تهران راه‌اندازی شده است. شهروندان برای اسکان اضطراری، پاکسازی معابر و منازل، برآورد خسارت و ارزیابی ایمنی ساختمان‌ها و ارزیابی خسارت وارده به خودروها می‌توانند به این مرکز مراجعه کنند. علاوه بر این خدمات، مرکز جهادی حامی، آماده پاسخگویی به سوالات و رسیدگی به مشکلات حادثه‌دیدگان و همچنین ارائه خدمات حمایت روانی و اجتماعی به حادثه‌دیدگان است. شهروندان تهرانی در مناطقی که چادرهای سازمان مدیریت بحران حضور دارند (نقاطی که تعداد منازل و اماکن آسیب‌دیده زیاد است) به نمایندگی ما در چادرها مراجعه کنند. سایر عزیزان آسیب‌دیده نیز می‌توانند علاوه بر شماره ۱۲۷ داخلی ۲ با شماره تلفن ۱۸۱۱ تماس بگیرند یا به صورت حضوری به ناحیه شهرداری منطقه مربوطه مراجعه کنند.

شهر تهران راه‌اندازی شده است. شهروندان برای اسکان اضطراری، پاکسازی معابر و منازل، برآورد خسارت و ارزیابی ایمنی ساختمان‌ها و ارزیابی خسارت وارده به خودروها می‌توانند به این مرکز مراجعه کنند. علاوه بر این خدمات، مرکز جهادی حامی، آماده پاسخگویی به سوالات و رسیدگی به مشکلات حادثه‌دیدگان و همچنین ارائه خدمات حمایت روانی و اجتماعی به حادثه‌دیدگان است. شهروندان تهرانی در مناطقی که چادرهای سازمان مدیریت بحران حضور دارند (نقاطی که تعداد منازل و اماکن آسیب‌دیده زیاد است) به نمایندگی ما در چادرها مراجعه کنند. سایر عزیزان آسیب‌دیده نیز می‌توانند علاوه بر شماره ۱۲۷ داخلی ۲ با شماره تلفن ۱۸۱۱ تماس بگیرند یا به صورت حضوری به ناحیه شهرداری منطقه مربوطه مراجعه کنند.

با «مرکز جهادی حامی» در جنگ رمضان کنار مردم هستیم

عبدالمطهر محمدخانی، سخنگوی شهرداری تهران: به منظور ارائه خدمات بهتر به آسیب‌دیدگان از جنگ «مرکز جهادی حامی» با تلاش همکاران در سازمان پیشگیری و مدیریت بحران



در شهر

انقصاد سه قرارداد جدید سرمایه‌گذاری در شرایط جنگی

با آنکه سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی ماهیتی خدماتی ندارد، اما از همان ابتدای شکل‌گیری شرایط جنگی، مأموریت‌ها و وظایف خود را با جدیت، نظم و استمرار دنبال کرده و هیچ‌گونه وقفه‌ای در روند اجرای برنامه‌ها ایجاد نشده است. نوید خاصه‌باف، مدیرعامل سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری در این باره بیشتر توضیح داده است.

خللی در روند امور ایجاد نشده

در این مدت سه قرارداد جدید منعقد و فرایند اجرایی دو قرارداد دیگر آغاز شده و تمامی تعهدات این سازمان نسبت به شهرداری تهران به‌صورت دقیق، منظم و مطابق برنامه زمان‌بندی انجام شده و در مورد پروژه‌های قدیمی نیز هیچ خللی در روند امور ایجاد نشده است؛ به‌گونه‌ای که فرایند واگذاری و تأمین مالی این پروژه‌ها نهایی شده و مبالغ مربوطه در حساب‌های مالی‌های طرفین ثبت و تسویه شده است.

انقصاد قراردادهای جدید

در این مدت دو قرارداد جدید به مرحله انقصاد و نهایی‌سازی رسیده و یک قرارداد دیگر نیز در حوزه خدمات اجتماعی برای ایجاد و توسعه یک مجموعه فرهنگی منعقد شده است. افزون بر این، دو قرارداد جدید دیگر نیز هم‌اکنون در مرحله پیگیری و نهایی‌سازی قرار دارد.

فرایند جذب سرمایه‌گذار

سازمان سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های مردمی شهرداری تهران دو فراخوان برای جذب سرمایه‌گذار منتشر کرده است که با توجه به شرایط خاص کشور، فرایند تبادل اسناد مربوط به آن‌ها با حدود یک هفته تأخیر مواجه شد. با این حال، اقدامات اولیه به‌طور کامل انجام شده و پیش‌بینی می‌شود این فراخوان‌ها در آینده نزدیک به انقصاد قراردادهای سرمایه‌گذاری منجر شود.

فراهم‌سازی زمینه مشارکت بخش خصوصی

این سازمان با اتکا به ظرفیت‌های تخصصی خود تلاش دارد حتی در شرایط دشوار نیز مسیر توسعه سرمایه‌گذاری شهری را با ثبات و برنامه‌ریزی دقیق ادامه دهد و زمینه مشارکت بخش خصوصی در پروژه‌های شهری را بیش از پیش فراهم سازد.

یادداشت

معصومه دستجانی فراہانی، نویسنده

میدان خالی نخواهد ماند

از جوان‌ترین زنان پشتیبانان زمان جنگ تحمیلی بود. زنگ که زدم بروم برای مصاحبه چندان رغبتی نداشت. اما پذیرفت. خانه‌اش در زمان جنگ در کوچه‌ای بن بست در نزدیکی میدان امام خمینی (ره) قم بود. خانه‌ای که هر روز از جمعیت و آذوقه پر و خالی می‌شده. می‌گفت: «جنگ که شروع شد من پسر که نداشتم بفرستم بروم بچنگد. همیشه دهنم در گیر بود. میرزا عباس می‌رفت و با خاور کمک می‌برد برای رزمندگان. پسر همسایه‌مان سیدجلال رزمنده بود. زنگ می‌زد به مادرش می‌گفت: «مادر! اینجا بچه‌ها هندوانه هوس کرده‌اند. هوای خوزستان داغ است.» میرزا عباس هم می‌رفت میدان تره‌بار و چند ارزنده هم همراهش می‌شدند و کاسب‌های میدان هم ماشین‌ها را پر از هندوانه می‌کردند و می‌فرستادند جبهه. من مانده بودم با دختر بچه و کاری از دستم بر نمی‌آمد. تصمیم گرفتم خانام را به پایگاه پشتیبانی جنگ تبدیل کنم. ■■■



اتحاد، شیاطین آمریکایی-صهیونیستی را محو خواهد کرد
احمد معظمی، کارگردان سینما و تلویزیون بر هویت اصیل «ملت‌شهادت» و «ملت امام حسین(ع)» تأکید کرد و از رسانه‌ها خواست با همتی مضامین، شور و امید را در دل ملت ایران تقویت کنند. او گفت: «اتحاد ملت و مسلمانان، شیاطین آمریکایی-صهیونیستی را محو خواهد کرد.»



همین یک حنجره برای فریاد نام «ایران» کافیت!
مژده لواسانی، مجری تلویزیون در واکنش به انتشار قطعه جدید محسن چاوشی نوشت: «هنرمندان سکوت کرده‌اند؟ باکی نیست، همین یک حنجره برای فریاد نام «ایران» کافیت. نتیجه نطفه و لقمه حلال و عشق امیرالمؤمنین، می‌شود «شرف و آبرو و عزت» که شما صاحب تمامش هستید آقای محسن خان چاوشی. غیبه برانگیزید.»

شهادت پدر و پسر در ایست بازرسی

پای صحبت‌های زنی که همسر و فرزندش را در حملات اخیر رژیم صهیونیستی از دست داده‌است

گزارش

فرناز ایزدین - الناز عباسیان روزنامه‌نگار | فیلمی از یک مادر داغدار، ایسن روزها در فضای مجازی پربازدید شده‌است. شیرزنی که داغ پسر ۱۱ ساله و همسر جوانش را دیده‌اما با شجاعت در معراج‌الشهدای بهشت‌زهر(اس) می‌گوید: «کسی برای عزیزان من گریه نکند. انتقام همسر و فرزندم را با دو پسر دیگرم از دشمن خواهم گرفت. حق و باطل با خون رامین و علیرضا من جدا شده و این شهادت سند مظلومیت ماست. اگر هم گریه کردم از دل مادری بود. شهید نوجوان علیرضا همراه پدرش شهید رامین جعفری روز چهارشنبه در ایست بازرسی بزرگراه ارتش در حمله پهلادی دشمن اسرائیلی-آمریکایی به شهادت رسیدند. صدف منفرد، مادر علیرضا و همسر رامین جعفری در گفت و گوی تلفنی با تلویزیون هشتاد و پنج با افتخار از عزیزانش می‌گوید.

نسل زد با حیا و نجیب

شهید علیرضا جعفری، کلاس پنجم بود. با وجود سن کم از سال ۱۴۰۱ در سفرهای جهادی و اربعین همراه پدر و مادرش حضور داشت. او در موب‌های درمانی اربعین حسینی در مسیر نجف تا کربلا برای کمک به پرستاران و پویش سفید به تن کرده و زخم پای زائران را با بنسلمان می‌کرد. مادرش می‌گوید: «علیرضا من به مهربانی و ادب معروف بود. در شش‌هفتم خوب بود. معلم‌ها و همکلاسی‌هایش همیشه می‌گفتند علیرضا خیلی مظلوم است! مگر مسجد محل بود و دوست داشت شبیه حاج مهدی رسولی مداحی‌های حماسی بخواند. با وجود اینکه به سن تکلیف نرسیده بود علاوه بر نمازهای واجب، سحرها قبل از اذان صبح بلند می‌شد و نماز شب می‌خواند. با وجود سن کمش از روی حیا، حتی جلوی من که محرمش بودم لب‌اش را تعویض نمی‌کرد.»

مرد شدن علیرضا یازده ساله در جنگ رمضان

پس از شهادت رهبر انقلاب و شروع جنگ رمضان، علیرضا که علاقه فراوانی به ایشان داشت بسیار ناراحت شد و به یاد او در تمامی تجمع‌ها شرکت می‌کرد. مادرش می‌گوید: «صبح چهارشنبه ۲۰ اسفند در مراسم تشییع پیکر شهدا با افتخار برچم ایران را برداشت، روی دوشش انداخت. می‌گفت در این چند روز ما پدر اسرائیلی‌ها را در آوریم. آنها باید بداند که ما از تشییع شهدا ناراحت نیستیم؛ چون چه پیروز شویم و چه شهید شویم در هر دو صورت ما پیروزیم. به چشم خود دیدم که علیرضا من چقدر در این جنگ بزرگ و مرد شده!»



شهادت پدر و پسر برای امنیت شهر

چهارشنبه حوالی عصر تلفن پدر علیرضا، شهید رامین جعفری زنگ خورد. برای گشت بسیج کمک نیاز داشتند. بعد از قطع شدن تلفن، پدر علیرضا آماده شد تا برای کمک برود. آنها در گشت بسیج برای امنیت شهر تهران کنار اتوبان‌ها و خیابان‌ها می‌ایستادند تا اگر افرادی قصد آشوب یا حمل اسلحه دارند، زودتر شناسایی شوند و به مردم آسیب نرسد. تا این خبر به علیرضا رسید از پدر خواست او را با خود ببرد. رامین که پرستار بیمارستان بود گفت: «پسر من هر روز در بیمارستان خونین نوجوانان شهید و مصدوم را می‌بینم که در گشت بسیج آسیب دیده‌اند، خون ما که از آن‌ها رنگین‌تر نیست. این جنگ ممکن است طولانی شود، باید با بگیری، باید مرد این شهر شوی.» کودک کشتی این رژیم است.»

متین برادر ۹ ساله‌اش هم با گریه و اصرار با آنها رفت. صدف منفرد می‌گوید: «زبان روزه ساعت‌ها در گشت ایستاده بودند. هنوز وقت افطار نشده بود که صدای پهلادها و ریز پندهای دشمن اسرائیلی-آمریکایی با کمک عناصر سلطنت‌طلب خائن در شهر پیچید. هدف این پهلادها ترور هدفمند ایستگاه‌های گشت بسیج، ایجاد ناامنی و ترساندن مردم بود. با علم و دین اینکه علیرضا و متین کوچک هستند، پهلاد به دنبال آنها رفت و هر دو از راه را مورد حمله قرار داد، سپس به سمت همسرم رفت و او را نیز زد. پسر من متین به شدت مجروح شده اما آن دو با هم پرواز کردند. فیلم این حمله که توسط دشمن منتشر شده گواهی دیگر بر کودک کشتی این رژیم است.»

یادداشت

سیده مریم طیار، نویسنده

روایتی از شب‌های جنگ رمضان

ساعت از هشت شب گذشته بود و من هنوز در خیابان خودمان بودم و با قدم‌های تند به سمت بلوار می‌رفتم. نمی‌دانستم آن شب راهیمیایی محل‌مان دقیقا از کجا شروع می‌شود. صدای هم شنیده نمی‌شد. تصمیم گرفتم به محل مراسم دیشب بروم که زیاد دور نبود ولی فاصله آن قدری بود که نشود از میان نور چراغ ماشین‌ها و مغازه‌ها بود و نبود جمعیت را تشخیص داد. تا رسیدم سسر خیابان وارد پیاده‌روی بلوار شدم، چشم ناخودآگاه به افرادی افتاد که خلاف جهت من از رویرو می‌آمدند؛ دو تا خانم با کیسه‌های خرید، اکیب چندنفره پسرهای جوان و نوجوان، مردی سیگار به دست، دو سه نفر سر در گوشی، مغازه‌دارهایی که با بیرون مغازه ایستاده بودند یا داخل مغازه در حال فروش اجناس به مشتری‌ها بودند.

آه کشیدم. چه می‌شد این مردم هم با ما به راهیمیایی می‌آمدند؟ چطور می‌توانند اینقدر راحت مشغول زندگی عادی‌شان باشند؟ چطور نسبت به چیزی که ما وظیفه می‌دانیم بی‌تفاوت هستند؟ صدای بلند شعار مرگ بر آمریکایی که از بلندگویی پخش شد، باعث شد به خودم بیایم. خوشحال شدم که راه را درست آمده‌ام. آن طرف بلوار، دویست متر دورتر، جمعیتی پرچم به دست دیده می‌شدند که شعار را تکرار کردند. هم‌زمان مردی با ظاهری نه چندان مذهبی را دیدم که دست در جیب از رویرویم می‌آمد. شنیدم که او هم آرام گفت: مرگ بر آمریکا و به راهش ادامه داد. چشم‌هایم برقی زد. قدم‌هایم را تندتر کردم. صدای بلندگویی بلندتر شد. دوباره شعار مرگ بر آمریکا طنین انداخت. بی‌اختیار چشمم به دسته کوچکی از دختران افتاد که از رویرو می‌آمدند. همگی بدون حجاب و از کودک و نوجوان تا جوان. آرام و خودمانی، طوری که صدایشان خیلی از جمع خودشان دور تر نرود، گفتند مرگ بر آمریکا و خندیدند. در دلم خدا را شکر کردم. عرض بلوار را گذشتم و در انتهای جمعیت ایستادم به شعار دادن؛ این‌بار حتی با مشت‌هایی محکم‌تر از شب‌های قبل.

